



تدوین: اسلام

شخصیت علمی - فرهنگی زراره

قسمت دوم

عباسعلی صدیقی نسب
گروه تاریخ اسلام

در این قسمت به بررسی شخصیت علمی و فرهنگی زراره از سه زاویه مختلف می‌پردازیم.

نخست - بررسی نظرات و دیدگاهها راجع به شخصیت زراره.

ابو غالب زراری (م ۳۶۸ هـ) که در زمان غیبت صغری می‌زیسته و خود از خاندان زراره بوده است دربارهٔ ویژگیهای زراره می‌گوید: «زراره فردی خوش سیما، تنومند و سفیدپوست بود، برای نماز جمعه خارج می‌شد. در حالی که کلاهی سیاه بر سر و عصایی در دست داشت. اثر سجده در پیشانیش ظاهر بود. مردم در دو طرف راه می‌ایستادند و به خاطر جلال و هیبتش، وی را می‌نگریستند. او اهل بحث و مناظره بود و هیچ کس به پای او نمی‌رسید، تنها عبادت بود که او را از سخن باز می‌داشت. و متکلمان شیعه از شاگردان وی می‌باشند.»^۱

محمّد بن اسحاق الندیم (م ۴۳۸ هـ ق) در مورد شخصیت زراره چنین یادآور شده است: «زراره در بُعد فقه، حدیث و کلام یکی از بزرگترین رجال شیعه می‌باشد.»^۲

ابوالعباس احمد بن علی بن العباس النجاشی (م ۴۵۰ هـ) در مورد شخصیت زرارہ چنین می نویسد: «او در روزگار خود بزرگ و پیشگام اصحاب ما در قرائت قرآن، فقه، کلام، شعر و ادبیات بود. وی ضمن دارا بودن فضل و ایمان، در گفتار و نقل حدیث صادق بود.»^۳

تقی الدین، حسن بن علی بن داود حلّی (م قرن هفتم) درباره وی چنین می گوید: «زراره راستگوترین و فاضلترین شخصیت زمان خود بود تا آنجا که امام صادق علیه السلام درباره وی فرمود: اگر زرارہ نبود می گفتم: احادیث پدرم بزودی از بین خواهد رفت.»^۴

خیرالدین زرکلی، نویسنده معاصر در مورد شخصیت زرارہ می نویسد: «او مردی متکلم، شاعر، عالم، ادیب و از اهالی کوفه بود.»^۵

سیمای زرارہ در آئینه روایات

شیخ طوسی در اختیار معرفة الرجال چندین روایت در منزلت و والایی شأن زرارہ نقل کرده است که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم.

محمد بن ابی عمیر می گوید: «به جمیل بن دراج گفتیم، براستی مجلس و محفل علمی شما بس آراسته و مغتنم است! جمیل گفت: به خدا سوگند، ما در مقابله با زرارة بن اعین مانند کودکان هستیم در مدرسه و در مقابل معلم.»^۶

این تعبیر جمیل بن دراج می رساند که وی با تمامی معلوماتی که داشته و در زمان خودش به عنوان فقیه ترین افراد به شمار می رفته^۷ خود را در مقابل زرارہ چقدر کوچک احساس می کرده و این خود بزرگترین گواه بر مرتبه بلند زرارہ در میدان علم و دانش است. نویسنده رجال کشی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبدالعزیز (م ۳۴۰ هـ) می نویسد: «همه فقهای امامیه بر تصدیق گروهی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام اجماع دارند و سر تعظیم در برابر فقاہت آنان فرود آورده اند، فقیه ترین آنها شش نفرند: زرارہ، معروف بن خربوذ، برید، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طایفی. و گفته اند که فقیه ترین آنها زرارة بن اعین است.»^۸

جمیل بن دراج می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کوههای زمین و نشانه های دین چهار نفرند، محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن البختری المرادی و زرارة بن اعین.^۹

در این تشبیه امام صادق علیه السلام بالاترین مراتب فضل و کمال را در کوتاهترین عبارت، برای زراره نمایانده است. سخن و توصیف امام علیه السلام را نباید تعارف پنداشت، زیرا امام علیه السلام در موقعیت و مسؤولیتی است که هرگز بی جهت از کسی تعریف نمی‌کند. بلکه ملاک و میزان در گفته‌های آنان حق و رضایت حق تعالی است.

فضل بن عبدالملک می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: محبوبترین خلق خداوند نزد من چهار نفرند چه زنده باشد و چه مرده. برید بن معاویه، زراره، محمد بن مسلم و احوّل.^{۱۰}

ابراهیم بن عبدالحمید می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند زرارۀ بن اعین را رحمت کند. اگر زراره و امثال او نبودند، چه بسا احادیث پدرم از بین می‌رفت.^{۱۱}

ابی عبیدۀ حدّاء، می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم و برید، مصداق این سخن خدایند که می‌فرماید: والسابقون السابقون اولئك المقربون.^{۱۲}

مفضل بن عمر می‌گوید: روزی که فیض بن مختار نزد امام صادق علیه السلام آمده بود، آیه‌ای از قرآن را خواند. آن حضرت آیه را برای او تأویل کرد، فیض به حضرت گفت: خدا مرا فدایت گرداند، این اختلاف بین شیعیان شما چیست؟ امام علیه السلام فرمود: ای فیض کدام اختلاف؟ فیض به حضرت عرض کرد. در جلسات بحث آنان در کوفه شرکت می‌کنم و از اختلاف آنها در روایاتشان به شک می‌افتم، تا این که به مفضل بن عمر مراجعه می‌کنم، او مرا از این شک باز می‌دارد و نفسم از این گرفتاری نجات می‌یابد، و قلبم مطمئن می‌گردد. پس حضرت به او فرمود: ای فیض درست می‌گویی، همان‌طور است که گفתי، بدرستی که مردم در دروغ بستن بر ما و لع دارند. گویا خداوند بر آنها دروغ بستن بر ما را واجب گردانیده و جز این چیزی از ایشان نخواستۀ است مطلبی را با یکی از آنان در میان می‌گذارم. هنوز از نزد من خارج نشده آن را بر غیر تأویلش، تأویل می‌نماید و این کار به خاطر آن است که هدفشان از حدیث و محبت ما الهی نیست و امیال دنیایی دارند. و هر کدامشان دوست دارد که برای خود سری باشد، هیچ بنده‌ای نیست که نفس خود را بلند گرداند مگر این که خداوند او را پست نماید، و هیچ بنده‌ای فروتنی و تواضع ننماید، مگر این که خداوند او را بلند مرتبه گرداند و شرافت دهد. پس هر گاه در جستجوی حدیث ما برآمدی، بر تو باد که به این شخص

که این جا نشسته به او مراجعه کن! و با دست اشاره به یکی از اصحاب ما نمود.

از حاضران سؤال کردم که آن مرد کیست؟ گفتند: او زرارة بن اعین است.^{۱۳}

دادوبن سرحان می‌گوید: شنیدم که اباعبدالله (ع) فرمود: برخی از افراد را در جریان بعضی مطالب قرار می‌دهم، و او را از جدل و ریاء در دین خدا، و از قیاس نهی می‌کنم، ولی به مجزود این که از نزد من خارج می‌شود به تأویل و توجیه ناروا می‌پردازد، به بعضی دستور می‌دهم که سخن گویند، و برخی را از گفتگو و مباحثه نهی می‌کنم، اما هر کسی (امر و نهی مرا) برای خود تأویل می‌نماید و با این کار خدا و رسولش را عصیان می‌کند، اگر می‌شنیدند و اطاعت می‌کردند، آنچه را پدرم به اصحابش سپرد، من نیز به آنان می‌سپردم، به درستی که اصحاب پدرم در حال حیات و مرگ مایهٔ افتخارند، یعنی زراره، محمدبن مسلم ...^{۱۴}

محمدبن ابی عمیر از جمیل بن دراج نقل می‌کند: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: به اهل ایمان و تواضع، بشارت بهشت دهید، بریدبن معاویه عجل، ابوبصیر لیث بن البختری مرادی، محمدبن مسلم، و زرارة، اینان چهار نفری هستند، که نجیبان و امینان خداوند بر حلال و حرام وی می‌باشند، اگر این افراد نبودند، آثار نبوت قطع می‌شد و از بین می‌رفت.^{۱۵}

دوم - توان علمی زراره در مناظره‌ها و مباحثه‌ها

پس از بررسی دیدگاهها و نظراتی که دربارهٔ شخصیت علمی و فرهنگی زراره ابراز شد، به بررسی توان علمی وی در مناظرات و مباحثات می‌پردازیم. همان‌گونه که پیشتر گفتیم، وی شخصی عالم، فقیه، ادیب، شاعر و متکلم بود، و در فقاہت نیز مانند سایر علوم به درجهٔ والایی رسیده بود، به حدی که توانست فقه صحیح را از غیر صحیح تشخیص دهد و به انحراف استادش حکم بن عتیبه پی ببرد، و از هواداری او دست بردارد، و ملازم درگاه ائمه (ع) گردد.^{۱۶}

گذشته از اینها، زراره در فقاہت به حدی رسیده بود که امام صادق (ع) او و برخی دیگر از یارانش را برای مباحثه با علمای دیگر مذاهب انتخاب می‌کرد، و با صراحت تمام به مخالفان می‌فرمود: اگر بتوانید اصحاب مرا در مباحثهٔ علمی شکست دهید، چنان است که مرا شکست داده‌اید.^{۱۷}

این سخن امام صادق علیه السلام بیانگر میزان اعتماد آن حضرت به مرتبه والای علمی زراره و همانندهای او است.

در میان مناظره‌ها و احتجاجهای امام صادق علیه السلام با مخالفان به نمونه‌ای برمی‌خوریم که حضرت بعضی از اصحاب خود را برای مباحثه با خصم انتخاب می‌نماید. امام علیه السلام از این کار چند هدف را دنبال می‌کند.

۱- از این طریق مزیت یاران و اطرافیان خود را به همگان بشناساند.

۲- ناتوانی خصم را آشکار کند.

۳- به آنها گوشزد نماید که آنان توانایی مباحثه و مقابله با یاران وی را ندارند، چه رسد به خود آن حضرت. امام علیه السلام در این مناظره اصحاب خود را به مباحثه با عالم شامی فرا می‌خواند، زراره نیز از جمله افراد این گروه منتخب است، که در بخش فقهی با وی به مناظره و مباحثه می‌پردازد.

هشام بن سالم در این باره چنین می‌گوید: با جماعتی از اصحاب نزد امام صادق علیه السلام بودیم که مردی از اهل شام آمد و اجازه ورود خواست. حضرت اجازه فرمود، مرد داخل شد و سلام کرد، امام علیه السلام فرمود: بنشین! اگر نیاز و مطلبی داری در میان بگذار! مرد شامی گفت: به من خبر رسیده که هر چه از شما سؤال شود، شما پاسخ آن را می‌دانید، از این رو آمده‌ام تا با شما مناظره کنم.

حضرت فرمود: در چه زمینه‌ای؟

مرد شامی گفت: در اعراب قرآن (وقف، سکون، جر، نصب و رفع آن).

پس امام علیه السلام فرمودند: ای حمران، با این مرد به مباحثه بنشین!

آن مرد به حضرت عرض کرد: من می‌خواستم با شما مباحثه کنم نه با حمران.

حضرت فرمودند: اگر بر حمران غلبه یافتی چنان است که بر من غلبه یافته‌ای.

پس از آن مرد شامی روی به حمران آورد و مرتب از او سؤال می‌کرد و حمران جواب

می‌داد، تا این که مرد شامی خسته شد.

حضرت فرمود: ای مرد شامی حمران را چگونه یافتی؟

مرد شامی گفت: او را ماهر دیدم، چیزی از او نپرسیدم، مگر این که جواب گفت.

سپس امام علیه السلام به حمران فرمود: اکنون تو از او سؤال کن، پس حمران همواره از او سؤال

می‌کرد تا این که مرد شامی از جواب دادن باز ماند.

مرد شامی به حضرت عرض کرد: می‌خواهم با شما در عربی مناظره کنم.

امام علیه السلام از ابان بن تغلب خواست که با او مناظره نماید.

پس از آن مرد شامی خواست که در فقه مناظره کند.

امام علیه السلام به زراره فرمود: ای زراره با او به مناظره برخیز! زراره با مرد شامی به مناظره برخاست و او را رها نکرد تا آن هنگام که مرد شامی از جواب باز ایستاد.^{۱۸} این مناظره را نباید دست کم گرفت، اگر چه در این مناظره که هشام بن سالم آن را روایت کرده، اشاره‌ای به سؤالات مرد شامی و جوابهای زراره نشده است، ولی تعبیر امام علیه السلام که می‌فرماید: با آنان مناظره کن اگر بر آنها غلبه یافتی، چنان است که بر من غلبه یافته‌ای، سخنی است بس بزرگ و پراهمیت! زیرا: اگر امام علیه السلام ذره‌ای در توان علمی اینان نسبت به مرد شامی شک داشت چنان قاطعانه سخن نمی‌گفت.

با توجه به این که مرد شامی شخصی عامی و بی‌سواد نبوده است و اصولاً هم نمی‌تواند چنین باشد، چون عقلایی نیست که فردی بی‌سواد از شام حرکت کند، آن همه رنج سفر را بر خود هموار سازد و به مناظره کسی آید که به گفته خودش شنیده است او عالم به تمام پرسشهایی است که از وی سؤال می‌شود، بنابراین، نمی‌توان این مناظره را کم‌اهمیت دانست و به سادگی از کنار آن گذشت.

زراره با همه دانش خود، خویشتن را برتر از دیگران نمی‌شمرد و به خود مغرور نمی‌شد و در این راه به مباحثه و جدل نمی‌پرداخت. او بشدت از تفرقه بین اصحاب پرهیز می‌کرد، و کمتر حاضر می‌شد، در امور اختلافی بین اصحاب با دیگران به بحث پردازد، اما آن هنگام نیز که وارد میدان بحث می‌شد، بسیار مستدل و قاطع سخن می‌گفت، گاهی اوقات که افرادی از او می‌خواستند، تا با دیگران وارد بحث شود، از این کار امتناع می‌کرد و می‌گفت: این کار باعث کینه و عداوت می‌شود. و به این طریق از بحث و جدل کناره‌گیری می‌کرد. تنها زمانی وارد میدان بحث می‌شد که طرف مقابل به این کار تمایل نشان می‌داد، در این صورت اقدام به مناظره می‌کرد.

زراره می‌گوید: در مدینه به مجلس مباحثه جماعتی رفتم که در میان آنها عبدالله بن محمد و ربیعہ الری نیز حضور داشتند، عبدالله گفت: ای زراره در مسایل مورد اختلاف

سؤالهایی را مطرح کن و از ربیعہ پیرس!

گفتم: مجادلہ و بحث باعث کینہ می شود. اما ربیعہ گفت: ای زرارہ سؤال کن.

گفتم: رسول اللہ ﷺ شارب خمر را با چه چیزی حد می زد.

ربیعہ گفت: با ترکہ درخت و نعلین.

پس گفتم: اگر مردی را امروز دستگیر کنند کہ شراب خورده باشد، و نزد حاکم آورند، چه

حکمی درباره او جاری می شود؟

ربیعہ گفت: شلاق زده می شود، چون عمر شلاق زد.

عبدالله محمد گفت: پناه بر خدا، رسول اللہ ﷺ با ترکہ درخت می زد و عمر با شلاق! آنچه

را رسول خدا انجام داد ترک می نمایند و به آنچه عمر انجام داد عمل می کنند.^{۱۹}

همان طور کہ از روایت پیداست، زرارہ تسلط کامل بر موضوعات فقهی داشته و به

ریزہ کاریهای احکام آن نیز، آگاہ بوده است. لذا او با عبارتی ساده و روان و منطقی سلیس

ربیعہ را مقهور منطق خود می سازد، آنچنان کہ ربیعہ راہی برای گریز و توجیہ حکم خود

نداشته باشد، و ناظران و شنوندگان بحث نیز آن را به آسانی درک نمایند.

توانایی زیاد زرارہ در مباحث فقهی از دقت و باریک بینی وی نشأت می گرفت. او در

پارہ ای موارد به سؤال کوتاہ اکتفا نمی کرد، بلکه تا موضوعی دقیقاً برایش روشن نمی شد،

دست از سؤال کردن بر نمی داشت.

در این زمینه به روایتی برمی خوریم کہ مصداق کامل ادعای ما است، روایت از این

قرار است.

زرارہ می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم. دو خبر یا حدیث معارض از

شما به ما می رسد. کدام یک را بگیریم و به آن عمل کنیم؟

حضرت فرمود: ای زرارہ! آن حدیث را کہ بین اصحاب مشهورتر است بگیر، و آن را کہ

اندک و نایاب است رها کن.

عرض کردم: آقای من! گاهی آن دو حدیث یا خبر هر دو مشهورند و هر دو مأثور از

جانب شما؟

حضرت فرمود: آن حدیث را کہ روایتش نزد شما عادل تر و موثق ترند بگیر و به آن عمل

کن.

عرض کردم: روایتگران هر دو حدیث عادل و موثق و مورد رضایتند.
امام علیه السلام فرمود: بنگر و ببین کدام یک از آنها موافق مذهب عامه است پس آن را رها کن
و به دیگری که مخالف عامه است عمل نما.

عرض کردم: چه بسا هر دو موافق عامه باشند یا مخالف آنها در این صورت چه کنم؟
حضرت فرمود: آنچه که احتیاط دین تو در آن است بگیر، و آن را که مخالفت احتیاط
است رها کن.

عرض کردم: بدرستی که گاهی آن دو موافق با احتیاط است و یا مخالف با احتیاط در این
حال چه کنم؟

حضرت فرمودند: در این صورت مخیر هستی که یکی را بگیری و دیگری را ترک
نمایی.^{۲۰}

این روایت بخوبی تلاش و کوشش و دقت نظر زراره را می‌رساند، که چگونه احادیث را
از زوایای مختلف بررسی می‌کرده است، و همین دقت و کاوشگری وی بود که توانست از او
فقیهی زبردست بسازد.

سوم - آثار باقیمانده از زراره

در این بخش به آثار باقیمانده از زراره و تأثیر آن در رشد فکری، فرهنگی جامعه
خواهیم پرداخت.

وی که از خاندانی دانش‌دوست و عالم‌پرور بود، همگام با سایر افراد خانواده، کمر همت
به فراگیری علوم مختلف بست، او زندگی خود را وقف این کار کرد و در اکثر علوم رایج
عصر خویش نیز سرآمد گردید، او در رشته‌هایی چون فقه،^{۲۱} حدیث،^{۲۲} کلام،^{۲۳} ادبیات^{۲۴} و
شعر^{۲۵} تحصیل نمود، و در رشته قرائت نیز مهارت کامل داشت.^{۲۶} با وجود این، در آثار
رجالی، کتابهای زیادی از او یاد نکرده‌اند!

در اکثر کتب رجالی آمده است. «لزاره مصنفات منها کتاب الاستطاعة والجبر»^{۲۷} و
بیش از همین کتاب استطاعت و جبر متذکر کتاب دیگری برای ایشان نشده‌اند، ولی این
نمی‌رساند که او جز کتاب یاد شده کتاب دیگری نداشته است.

درباره اشعار زرارہ، صاحب اعیان الشیعہ می‌گوید: جاحظ در کتاب النساء و کتاب عرجان الاشراف متذکر ابیاتی از اشعار زرارہ گردیده است.^{۲۸} با این که اکثر رجال‌نویسان معتقدند که وی شاعر بوده، اما معلوم نداشته‌اند که آیا دیوان، شعری از خود برجای گذاشته یا نه! همچنین معلوم نداشته‌اند، که آیا او دارای اشعار فراوان بوده یا گهگاه شعر می‌سروده است، همچنین مشرب شعری او را بیان نداشته‌اند، که در چه زمینه‌هایی شعر می‌سروده است.

در رشته فقه نیز بر کتاب و رساله‌ای از وی دست نیافتیم.

آنچه در زندگی زرارہ مانند ستاره‌ای می‌درخشد، جنبه حدیثی ایشان است که در این میدان به تمام معنا درخشیده و آثار فراوان حدیثی از خود باقی گذاشته است. و همین بخش از آثار زرارہ نیز مدنظر ما می‌باشد، آن گونه که قبلاً یادآور شدیم او در فقه و حدیث سرآمد روزگار خود بود. اگر چه محدثین مسلم می‌گویند: من از امام باقر علیه السلام سه هزار حدیث و از امام صادق علیه السلام شانزده هزار حدیث شنیدم.^{۲۹} لیکن در عمل حدیث زیادی از وی برجای نمانده است، اما از زرارہ علی‌رغم حساسیتهایی که دستگاه خلافت و مخالفان علیه وی نشان می‌دادند، احادیث فراوانی برجای مانده، که مجموع آنها در «مسندالزراره» مشتمل بر حدود دو هزار حدیث است.^{۳۰} و البته این مقدار حدیث، در برگیرنده تمامی احادیث زرارہ نیست، چه بسا روایات مطرح شده در مسند زرارہ بخشی از احادیث زرارہ باشد که از دست حوادث روزگار به سلامت رسته و امروزه در دسترس ما قرار گرفته است.

به هر حال، بسیاری از مباحث فقه شیعہ شکوفایی خود را مرهون زحمات طاقت‌فرسای زرارہ و امثال او است و در هیچ بابی از ابواب فقهی نمی‌توان نقش احادیث زرارہ را ندیده گرفت، چنان که در آینده به تنوع حدیثی زرارہ در ابواب مختلف خواهیم پرداخت و میزان احادیث وی را در هر بخش معلوم خواهیم کرد.

زرارہ و دیگرانی چون او بودند که با پرسشهای مختلف و ضبط دقیق گفتار ائمه علیهم السلام بزرگترین و بالاترین افتخارات را به مکتب امامیه ارمغان دادند، تا امروز فقیهان بتوانند در میدانهای مختلف فقه با دست باز به اجتهاد بپردازند.

از آنجا که فرصت زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام برای بیان مطالب و رساندن آن به همه نسلها محدود بوده است، وجود کسانی چون زرارہ در ثبت و ضبط و انتقال

معارف آنان به نسلهای دیگر، اهمیتی انکارناپذیر داشته است. این فراگیری و گسترش تشیع و باروری فقه شیعه نتیجه احادیثی است که از ائمه علیهم السلام نقل شده و مردانی چون زراره به حفظ و نشر آن پرداختند.

اثبات این نکته چندان دشوار و پیچیده نیست، زیرا آن گونه که مشخص است در عصر امامت و قبل از غیبت دسترسی به ائمه علیهم السلام ممکن بود، هر چند برای همگان این ارتباط به دلیل بعد مسافت یا ممانعتهای سیاسی حکام میسر نبود.

از سوی دیگر می بینیم که استنباط احکام از قرآن و تطبیق کلیات بر امور جزئی نو پیدا کاری چندان سهل نیست و نیازمند نوعی تخصص و نیز استفاده از سنت و بیان روش معصومین علیهم السلام است.

از جمله شاگردان پرورش یافته در مکتب معصومین زراره و دیگر اعضای خاندان وی بودند، در میان شاگردان امام باقر و صادق علیهم السلام زراره یکی از سختکوشترین، آنها بود. وی با این که در کوفه سکونت داشت، توانست قریب به دو هزار حدیث جز اندکی را بدون واسطه از زبان امام باقر و صادق علیهم السلام دریافت کرده و نقل کند. با توجه به بُعد مسافت بین کوفه تا مدینه محل سکونت امام باقر و صادق علیهم السلام این کار شگفت انگیز میسر نبود مگر در پرتو عزمی جزم و همتی بلند و سینه‌ای فراخ که تمامی این خصوصیات در زراره وجود داشت. وی با همه مشکلات از پای ننشست و سعی وافر خود را به کار بست تا توانست از دریای موج علوم باقری و جعفری حظی وافر برد.

شیوه‌های فراگیری زراره

شیوه‌های فراگیری زراره را می‌توان در سه بخش خلاصه کرد.

۱- شیوه‌های فراگیری معمول و متداول، به این صورت که در مجالس آن بزرگواران حاضر می‌شد و مانند دهها و بلکه صدها تن دیگر که در حوزه درسی آنان حضور می‌یافتند و به استماع می‌پرداختند وی نیز به استماع دروس می‌پرداخت و از این راه توشه و ثمره‌ای در حدّ توان خود فرامی‌گرفت، که البته بیشترین بهره‌ی وی از روایات آن بزرگواران از این نوع است، از این رو، در آغاز بسیاری از احادیث وی با تعبیرهایی این چنین مواجه می‌شویم: سمعت عن الباقر علیه السلام او الصادق علیه السلام، قال الباقر علیه السلام او الصادق علیه السلام، سمعت عن احدهما علیه السلام یا

سمعت هما و...

آن گونه که از تعبیر زراره در ابتدای احادیثش پیداست وی تنها به شنیدن اکتفا نمی کرد، بلکه در بسیاری از موارد به پرسش از حضرت می پرداخت. لذا در اوایل تعدادی از احادیث کلمه سألت عن الباقر علیه السلام او الصادق علیه السلام به چشم می خورد.

۲- شیوه دیگر فراگیری این بود که، وی گاهی در غیر از مجالس درس و بحث، در ملاقاتهایی با امام، با سودجستن از فرصت به فراگیری حدیث می پرداخت در این گونه مجالس وی راحت تر از مجالس عمومی بوده، و دقیقاً می توانسته مطالب مورد نظر خود را سؤال کند، و پاسخهای فراخور آن نیز از حضرت بشنود.

همین آسودگی در سؤال و جواب بود که زراره می توانست مسائل بسیار مهم و اختصاصی را از حضرت فراگیرد، در این خصوص علی بن عطیه از قول زراره چنین نقل می کند.

زاراره گفت به خدا سوگند اگر بازگو نمایم آنچه را که از امام صادق علیه السلام شنیده ام، هر آینه مردانی بزرگ بردار خواهند شد.^{۳۱}

سخن زراره خود بهترین گواه بر مدّعی ما است.

۳- شیوه دیگر زراره در فراگیری این بود که هنگام دسترسی نداشتن به آن بزرگواران، به وسیله نامه و یا فرستادن افرادی خاص و مورد اطمینان به کسب علم و حدیث می پرداخت، که در این باره می توان به فرستادن فرزندانش حسین و حسن نزد امام صادق علیه السلام اشاره کرد. در این ملاقات حضرت پس از سخنانی که بین آنها رد و بدل می شود به بیان احکام فقهی می پردازد و به آنان می فرماید:

به پدران بگوید آن عمل را چنین انجام دهد و آن عمل دیگر را طوری دیگر انجام دهد.^{۳۲}

همچنین از طریق نامه درباره برخی احادیث که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است از حضرت سؤال می کند.^{۳۳}

شیوه زراره در ضبط احادیث

زاراره همچنان که در راه فراگیری حدیث نهایت سعی خود را به کار می گرفت، در حفظ و

ضبط آن نیز دقت فراوان می‌کرد، زمانی که نزد امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام می‌رفت، لوحه‌ای نیز همراه خود می‌برد، تا پاسخهای آن بزرگواران را عیناً یادداشت کند، مبادا دست نسیان و فراموشی در آنها مؤثر افتد و خللی بر آنها وارد آید.

عبدالله بن بکیر در این باره چنین می‌گوید:

«زراره خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: شما به ما فرموده‌اید نماز ظهر و عصر را آن هنگام بخوانید که سایه‌ها تان به اندازه یک یا دو زراع شده باشد و سپس فرموده‌اید که در تابستان سایه را بیشتر کنید، چگونه سایه را بیشتر کنیم، سپس لوحه را گشود تا آنچه را حضرت می‌فرماید، ثبت کند. امام علیه السلام جوابی به زراره ندادند.

زراره لوحه را بست و عرض کرد بر ما لازم است که از شما سؤال کنیم، ولی شما به آنچه انجام می‌دهید، عالتر هستید و سپس از نزد حضرت خارج گردید.

پس از آن ابوبصیر خدمت امام علیه السلام آمد. حضرت به ابوبصیر فرمود: زراره چیزی از من پرسید که جوابش نگفتم، و از این سبب ناراحتم، سوی وی برو تو فرستاده من به سوی او هستی به او بگو: نماز ظهر را آن هنگام بخوان که سایه‌ها تان مثل خودت شده باشد و نماز عصر را آن هنگام به جای آور که سایه‌ها تان دو برابر خودت شده باشد.^{۳۴}

آن گونه که پیش از این متذکر شدیم، بیشترین میراث علمی زراره احادیث و نیز شاگردانی است که وی از خود برجای گذاشته است. بنابراین سخن ما از این پس در خصوص همین دو مورد خواهد بود. نخست احادیث ایشان را بررسی خواهیم کرد و سپس به معرفی شاگردان و حوزه حدیثی وی خواهیم پرداخت.

احادیث

در مورد تعداد احادیث روایت شده از زراره، آرای مختلف اظهار شده است بعضی تعداد آن را بالغ بر دو هزار و شصت حدیث می‌دانند و گفته‌اند:

اسم زراره در اسناد تعداد زیادی از روایات واقع گردیده که به دو هزار و

شصت و چهار مورد بالغ می‌گردد. او از ابو جعفر علیه السلام تعدادی روایت نقل کرده است که به هزار و دویست و سی و شش عدد می‌رسد. و از ابی عبدالله علیه السلام نیز تعدادی روایت نقل کرده که به چهار صد و چهل و هفت عدد می‌رسد. همچنین وی تعدادی روایت از ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده است که به هشتاد و دو مورد بالغ می‌گردد و روایاتی که به عنوان (احدهما) از یکی از آن بزرگواران نقل نموده است بالغ بر صد و پنجاه و شش مورد می‌شود. همچنین زراره تعدادی روایت بدون این که مشخص کند از کدام امام نقل می‌کند روایت کرده است که با الفاظ قال علیه السلام، سمعت علیه السلام، قلت له علیه السلام بیان شده که بالغ بر هفتاد و هشت حدیث می‌شود. ۳۵

اما آن چنان که در مسند زراره آمده است، روایات باقی مانده از وی بالغ بر هزار و نه صد و بیست حدیث است، که ضمن پنجاه و نه عنوان فقهی، تاریخی و... ثبت شده است. ۳۶

وی هزار و صد و هفتاد و پنج حدیث از امام باقر علیه السلام، چهار صد و چهل و یک حدیث از امام صادق علیه السلام، صد و یازده حدیث به طور مشترک از امام باقر و صادق علیه السلام، و صد و شش حدیث بدون تعیین نام امام و فقط با لفظ «احدهما» روایت کرده است.

از مجموعه احادیث وی شصت و سه حدیث بدون مروی عنه و با تعبیر قلت له علیه السلام یا سمعت عنه علیه السلام و یا قال لی علیه السلام نقل شده است. و بیست و چهار روایت باقی مانده را سخنان زراره و احادیث سایر ائمه علیهم السلام تشکیل می‌دهد که گاهی با یک و یا چند واسطه نقل شده است.

جالب توجه این که از مجموع احادیثی که زراره روایت کرده است، فقط بیست و چهار حدیث با واسطه از ائمه علیهم السلام نقل شده است و جدای از نوزده حدیث دیگر، همگی بدون واسطه بوده است به این معنا که شخصاً آن سخنان را از امام علیه السلام شنیده و سپس نقل کرده است.

در کار این پژوهش و تحقیق، سعی ما در جهت استقصای احادیث زراره بوده است، که پس از تحقیق به نکاتی تازه و شایان تأمل دست یافتیم، که آنها را فهرست وار، در جدولی نمایانده ایم تا اهل تحقیق به تناسب زمینه‌های پژوهشی خود از آن سود جویند. جدول یاد

شده، دارای ده بخش است که به ترتیب، مربوط می‌شود به:

۱- موضوع حدیث

۲- امامی که زراعه روایت را از وی نقل کرده است.

۳- احادیثی که در آن موضوع از هر امام نقل کرده است.

۴- احادیثی از هر امام سؤال کرده و حضرت به آن پاسخ داده است.

۵- احادیثی که از هر دو امام نقل کرده است.

۶- احادیثی که از یکی از دو امام بدون تعیین نام نقل کرده است.

۷- احادیثی که با واسطه از امام روایت کرده است.

۸- روایاتی که با تعبیر «سمعت عنه» و یا «قلت له»، «قال لی» بدون تعیین نام امام نقل کرده است.

۹- احادیث که از غیر امام باقر و صادق علیهما السلام متذکر شده است.

۱۰- جمع احادیثی که در هر موضوع روایت کرده است.

در پایان به منظور استفاده بهتر از احادیثی که با واسطه نقل کرده است نام و تعداد واسطه‌ها در جدول درج گردیده است.

موضوع	نام امام	تعداد حدیث	سؤالی	مشترک	یک امام	با واسطه	بدون مروی عنه	مستفزه	جمع کل
فضل علم	باقر علیه السلام	۸	۳						۱۲
	صادق علیه السلام	۴	۲						
توحید	باقر علیه السلام	۹	۷	۳	۱	یک حدیث عمران از امام باقر علیه السلام			۲۰
	صادق علیه السلام	۷	۳						
عدل و معاد	باقر علیه السلام	۱۵	۵	۵	۲	یک حدیث عمران از امام باقر علیه السلام			۲۹
	صادق علیه السلام	۷	۲						
نبوت	باقر علیه السلام	۱۴	۲	۵					۲۸
	صادق علیه السلام	۹	۱						
تاریخ نبی صلی الله علیه و آله	باقر علیه السلام	۲۴	۳	۱۲	۵	یک حدیث سلیمان جعفی از امام صادق علیه السلام یک حدیث عبدالکریم بن عتبه هاشمی از امام صادق علیه السلام			۴۹
	صادق علیه السلام	۸	۱						
امامت	باقر علیه السلام	۲۷	۱۰	۱		یک حدیث ابی الخطاب فی احسن حال	۲		۲۰
	صادق علیه السلام	۸	۵						

۱۶						۱	۱۶	بافر عليه السلام	تاریخ علی عليه السلام
								صادق عليه السلام	
۲							۱	بافر عليه السلام	تاریخ فاطمه عليها السلام
								صادق عليه السلام	
۵			یک حدیث عبدالغالی				۲	بافر عليه السلام	تاریخ حسین بن علی علیهما السلام
								صادق عليه السلام	
۸	۱ صادره از خود زراره	۱		۱			۵	بافر عليه السلام	تاریخ علی بن الحسین علیهما السلام
								صادق عليه السلام	
۹						۱	۹	بافر عليه السلام	تاریخ محمد بن علی علیهما السلام
								صادق عليه السلام	
۳							۳	بافر عليه السلام	تاریخ جعفر بن محمد علیهما السلام
								صادق عليه السلام	
۱							۱	بافر عليه السلام	تاریخ موسی بن جعفر علیهما السلام
								صادق عليه السلام	
۱۸	۱ صادره از خود زراره						۵	بافر عليه السلام	تاریخ حجه بن الحسن علیهما السلام
								صادق عليه السلام	
۳					۳			بافر عليه السلام	کتاب احتجاج
								صادق عليه السلام	
۳۲	۱ صادره از خود زراره				۴	۲	۱۹	بافر عليه السلام	کتاب الحجة
								صادق عليه السلام	
۷۰			حمران یک از امام باقر حسن برزاق یک از امام صادق	۱	۷	۱۳	۵۱	بافر عليه السلام	ایمان و کفر
								صادق عليه السلام	
۱۱				۲		۶	۶	بافر عليه السلام	دعا
								صادق عليه السلام	
۱							۱	بافر عليه السلام	فضل قرآن
								صادق عليه السلام	
۴							۳	بافر عليه السلام	آداب المعاشرة
								صادق عليه السلام	
۲۱۰	۱ صادره از خود زراره	۱۹	یک حدیث حمران از امام صادق عليه السلام	۱۵	۸	۳۸	۱۳۲	بافر عليه السلام	طهارت
								صادق عليه السلام	
۳۶۶	۵ حدیث از خود زراره یک حدیث از امام علی عليه السلام	۱۰	یک حدیث عبدالملک بن اعین از امام باقر عليه السلام یک حدیث حمران و یک حدیث عمر بن حنظله از امام صادق علیهما السلام	۱۴	۱۲	۶۰	۲۷۰	بافر عليه السلام	صلاة
								صادق عليه السلام	
۸۷		۲	حمران یک حدیث از امام باقر عبدالکریم بن عتبه هاشمی یک حدیث از امام صادق علیهما السلام	۴	۱۷	۷	۳۳	بافر عليه السلام	زکات
								صادق عليه السلام	
۸	۱ صادره از خود زراره	۱				۱	۴	بافر عليه السلام	خمس
								صادق عليه السلام	

صوم	باقر علیه السلام	۳۲	۱۲	۲	۱	عبدالواحد بن مختار یک حدیث از امام باقر علیه السلام عبدالواحد الانصاری یک حدیث از امام صادق علیه السلام	۱		۵۲
حج	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۹۸ ۸	۲۶ ۳۲	۲	۱۱	حمران ۲ حدیث از امام باقر علیه السلام	۶		۱۴۹
جهاد	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۱۰ ۹	۱ ۳	۲	۱				۲۲
الامر بالمعروف و نهی عن المنکر	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۶ ۳	۱			یک حدیث حمران از امام باقر علیه السلام	۱		۱۰
تجارت	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۲۹ ۲۱	۹ ۶	۱	۱		۱		۵۳
حجر	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۱							۱
ضمان	باقر علیه السلام صادق علیه السلام				۱				۱
ودیعه	باقر علیه السلام صادق علیه السلام		۱ ۱						۱
غاربه	باقر علیه السلام صادق علیه السلام		۱ ۱						۱
اجاره	باقر علیه السلام صادق علیه السلام		۱						۱
وقف و صدقات	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۲							۲
هبات	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۱							۱
وصایا	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۴ ۲	۱ ۱		۲		۱		۹
نکاح	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۸۱ ۳۲	۲۰ ۱۲	۲	۳	حمران یک حدیث از امام باقر علیه السلام	۹		۱۲۷
طلاق	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۵۶ ۱۴	۱۷ ۲	۵	۹	یک حدیث: یسع از امام صادق علیه السلام	۲	یک روایت از ربیعہ الری	۸۷
خلع و مبارات	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۴ ۲	۱ ۱	۱					۷
ظهار	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۳ ۳	۲						۶
ایلاء کفارات	باقر علیه السلام صادق علیه السلام	۳ ۲	۱						۵

۲				۱			۱	باقر علیه السلام	لعان
								صادق علیه السلام	
۱۲				۲	۱	۳	۷	باقر علیه السلام	عتق
								صادق علیه السلام	
۲						۱	۱	باقر علیه السلام	تدبیر مکانیه
								صادق علیه السلام	استیلا
۱						۱	۱	باقر علیه السلام	جمال
								صادق علیه السلام	
۱۳				۱	۱	۶	۹	باقر علیه السلام	ایمان (قسم)
								صادق علیه السلام	
۲						۱	۱	باقر علیه السلام	نذر و عهد
								صادق علیه السلام	
۱۹		۲	یک حدیث حمزان از امام باقر علیه السلام			۲	۱۱	باقر علیه السلام	صد و ذبائح
								صادق علیه السلام	
۲۵	یک وقعه اِلی النبی	۱		۵	۲	۵	۲۰	باقر علیه السلام	اطعمه و اشربه
								صادق علیه السلام	
۴				۱			۳	باقر علیه السلام	احیاء موت
								صادق علیه السلام	
۲						۱	۱	باقر علیه السلام	لقطه
								صادق علیه السلام	(اشیاء گمشده)
۵۲	۵ حدیث صادره از خود زراره			۴	۳	۴	۲۸	باقر علیه السلام	فرائض و میراث
								صادق علیه السلام	
۲۰	یک حدیث صادره از زراره یک حدیث از علی علیه السلام				۱	۲	۱۳	باقر علیه السلام	قضاء
								صادق علیه السلام	
۳	یک حدیث صادره از زراره			۱		۱	۱	باقر علیه السلام	شهادت
								صادق علیه السلام	
۴۱				۵		۳	۳۱	باقر علیه السلام	حدود و تعزیرات
								صادق علیه السلام	
۱۴				۲		۳	۶	باقر علیه السلام	قصاص
								صادق علیه السلام	
۱۳		۱		۱			۱	باقر علیه السلام	دیات
								صادق علیه السلام	
۱۰۴	۲ حدیث صادره از زراره خود زراره یک حدیث اِبی طفیل از علی علیه السلام	۱	عبدالملک یک حدیث از امام باقر علیه السلام عبدالله بن سلیمان یک حدیث از امام صادق علیه السلام	۹	۱۱	۱۴	۵۵	باقر علیه السلام	متفرقات
								صادق علیه السلام	

هنگام توجه به کمیت و کیفیت احادیث زرارہ، دو نکته خودنمایی می‌کند:

۱- حجم بسیار بالای احادیث.

۲- تنوع موضوعات احادیث.

وی در احادیث خود از خداشناسی که اولین و مهمترین گام معرفتی است شروع کرده و سپس به شناخت رسول و فرستاده خدا و جانشینان وی پرداخته است. نسبت به حقوق اجتماعی و تغذیه روحی و جسمی کوشیده و در نهایت به قوانینی پرداخته که رعایت آن باعث ثبات و نظم اجتماعی می‌شود، در این باره می‌توان به موضوعات، قضا، شهادت، حدود و تعزیرات، دیات و قصاص اشاره کرد، که هر یک به جای خود رکنی از ارکان ثبات اجتماعی می‌باشد.

وی در موضوعات، نماز، طهارت، حج، ازدواج، طلاق، زکات، ایمان و کفر، تجارت و ارث، از خود روایات ارزنده‌ای برجای نهاده و به ترتیب بیشترین احادیث را در این موضوعات حفظ کرده و نشر داده است.

توجه به تعداد حدیثی که زرارہ به صورت سؤال در هر بخش از امام علیه السلام پرسیده است و مقایسه آن با سایر بخشها می‌رساند که زرارہ در آن مسایل با تعقل و ادراک عمل کرده و اهل فهم و نظر به شمار می‌آمده و صرفاً روایتگر شنیده‌ها نبوده است. بعضی نکات قابل طرح دیگر راجع به احادیث زرارہ عبارتند از:

۱- چرا زرارہ برخی از احادیث را از هر دو امام یاد کرده است، آیا این کار دلیل خاصی داشته است؟

۲- چرا بعضی از روایات بدون تعیین نام امام علیه السلام آمده است، آیا این امر ناشی از فراموشی زرارہ بوده، یا رواات بعدی آن را فراموش کرده‌اند و با تعبیر «احدهما» یکی از دو امام مطرح ساخته‌اند؟

۳- در برخی دیگر از روایات که ما تحت عنوان «بدون مروی عنه» ذکر کرده‌ایم نیز از تعیین صریح نام امام علیه السلام خودداری شده است، این کار به چه علت بوده است. آیا به منظور تقیّه بود یا چون بحث قبلی اختصاص به یکی از دو امام علیه السلام داشته است؟ زرارہ با توجه به آن گفته است، از حضرت پرسیدم: «سألت عنه علیه السلام» و یا شنیدم «سمعت عنه علیه السلام» و یا به من گفت «قال لی علیه السلام»، و پاسخ به این پرسشها با مطالعه دقیق و شناخت کامل زمان حیات

زراره و ائمة معاصر وی میسر می گردد.

شاگردان زراره

اگر چه در کوفه خاندانهایی که به عنوان خاندانهای علمی به شمار می رفتند، بی شمار بودند، و در واقع کوفه حوزه فراگیری علوم اهل البیت علیهم السلام به شمار می رفته، به شکلی که مؤلف کتاب «تاریخ الکوفه» متذکر نام بیش از بیست خاندان از آنها می شود، ولی خاندان اجین بزرگترین و باشکوهترین آنان به شمار می آیند.

«خاندانهای علمی ساکن کوفه عبارتند از:»

- ۱- آل ابی الجعد؛ رافع العطفانی الاشجعی.
- ۲- آل ابی الجهم؛ القابوسی اللخمی من ولد قابوس بن النعمان بن المنذر.
- ۳- آل ابی رافع.
- ۴- آل ابی سارة.
- ۵- آل ابی شعبة الحلبيون.
- ۶- آل ابی صفیة، و اسم ابی صفیة؛ دينار و هو ابوثابت المعروف بابی حمزة الثمالي الكوفي.
- ۷- آل اعین.
- ۸- آل حیان التغلبي مولى بنی تغلب.
- ۹- آل نعيم الازدی الغامدی.
- ۱۰- آل ابی اراکه مولى کنده البجلي، و اسم ابی اراکه میمون.
- ۱۱- بنو الحر الجعفی والحر هذا مولى جعفی.
- ۱۲- بنو الیاس البجلي.
- ۱۳- بنو عبدربه بن ابی میمونة بن یسار الاسدی.
- ۱۴- بنو ابی سيرة.
- ۱۵- بنو سوقه.
- ۱۶- بنو نعيم الصحاف.
- ۱۷- بنو عطیه.

۱۸- بنو رباط، اهل بیت کبیر من بجیل، او من موالیهم.

۱۹- بنو فرقده.

۲۰- بنو دراج.

۲۱- بنو عمار البجلی الدهنی مولا هم. ۳۷

این خاندانها که نویسنده «تاریخ الکوفه» نامشان را ثبت کرده است تنها خاندانهایی هستند که بهره‌ای از علوم صادق آل محمد علیهم‌السلام داشته‌اند. ۳۸ که یا همزمان زراره بوده‌اند، و یا اندکی پس از وی درخشیده‌اند. این خاندانها، توفیق خویش را در این زمینه بیشتر مدیون مدت اقامت امام صادق علیه‌السلام در کوفه هستند، زیرا؛ آن حضرت در زمان ابوالعباس سفاح در کوفه اقامت گزید. ۳۹ اگر چه این مدت بیش از دو سال به طول نینجامید ولی منشأ خیر و برکات فراوانی برای مردم عراق گردید. تا آن جا که بعدها حسن بن علی بن زیاد و شاء بجلی به ابن عیسی قمی گفت:

دیدم در این مسجد - مسجد کوفه - نهصد عالم را که هر کدامشان

می‌گفت: حدیث کرد مرا جعفر بن محمد علیه‌السلام. ۴۰

با این همه؛ چیزی که زراره را از دیگران ممتاز می‌نمود و حلقهٔ درسی وی را در کوفه شکوه می‌بخشید، آگاهی وی به بیش از هزاران حدیثی بود که از امام باقر علیه‌السلام فرا گرفته بود، و این خود بالاترین امتیاز برای وی محسوب می‌شد. اگر بر این باور باشیم که آنچه نویسنده «تاریخ الکوفه» متذکر شد، صددرصد دقیق و متقن باشد که تمامی این خاندانهای علمی روات احادیث امام صادق علیه‌السلام بوده‌اند ۴۱ بنابراین باید زراره یکی از پیشاهنگان تأسیس حوزهٔ علوم باقری در کوفه بوده باشد و بر همین اساس است که معلوم می‌گردد، وی قبل از سفر حضرت صادق علیه‌السلام به کوفه [بین سالهای ۱۳۲ تا ۱۳۶] حوزهٔ درسی داشته است چون عمدتاً خاندانهای علمی و افرادی که در کوفه حوزهٔ درسی داشته‌اند جزو روات احادیث امام صادق علیه‌السلام بوده‌اند، در حالی که زراره قبل از ایشان، روایتگر احادیث امام باقر علیه‌السلام نیز بوده است، و همین امر باعث پیشگامی وی در تأسیس حوزهٔ درسی در کوفه شده است.

در مورد گستردگی مجلس درس وی باید متذکر شویم که حداقل نودوشش نفر از زراره روایت کرده‌اند که ما در پایان نام آنها را یاد خواهیم کرد.

و اما در مورد آراستگی حوزهٔ درسی ایشان باید گفت: جمیل بن دراج در زمان خودش

از فقها به شمار می‌رفت در پاسخ محمد بن ابی عمیر که از وی سؤال می‌کند. مجلسان چه نیکو و محفلان چه آراسته است، می‌گوید: «به خدا سوگند ما، در کنار زراره همانند کودکان هستیم در مقابل معلّم».^{۴۲}

کلماتی که جمیل بن دراج راجع به آراستگی محفل درس زراره بیان داشته دست کم مشتمل بر دو نکته اساسی است:

۱- این که زراره قبل از آن تاریخ در کوفه حوزه درسی داشته است و کسانی در جلسات درسی وی حاضر می‌شده‌اند.

۲- این که سطح آگاهی و دانش زراره آن قدر بالا بوده است، که افرادی چون جمیل بن دراج خود را چونان کودکی بی‌سواد در برابر کوهی از علم و دانش می‌دیدند.

در پایان این بحث صورت نام شاگردان زراره خواهد آمد، و منظور از «شاگردان» کسانی هستند که از وی نقل حدیث کرده‌اند، هر چند شاگرد امام باقر و صادق (علیه السلام) نیز بوده‌اند، و گرنه مشکل خواهد بود که بگویم افرادی همچون هشام بن حکم از شاگردان زراره بوده‌اند.

اساس نامهای شاگردان زراره را به ترتیب تعداد حدیثی که از وی نقل کرده‌اند خواهیم آورد:

- | | | |
|---------------------------|-------------------------|----------------------------|
| ۱- حریز بن عبدالله = حزیر | ۱۱- عبدالله بن مسکان | ۲۱- اسحاق بن عبدالعزیز |
| ۲- عبدالله بن بکیر | ۱۲- مثنی الحناط | ۲۲- قاسم بن عروه |
| ۳- عمر بن اذینه | ۱۳- مثنی | ۲۳- درست الواسطی |
| ۴- موسی بن بکر | ۱۴- محمد بن حمران | ۲۴- داود بن سرحان |
| ۵- جمیل بن دراج | ۱۵- حماد بن عثمان | ۲۵- خالد بن نجیح |
| ۶- علی بن رثاب | ۱۶- هشام بن سالم | ۲۶- اسماعیل بن جابر |
| ۷- ابان | ۱۷- حماد | ۲۷- حماد بن عیسی |
| ۸- جمیل | ۱۸- ربیع بن عبدالله | ۲۸- صفوان |
| ۹- ابان بن عثمان | ۱۹- ابی جمیله | ۲۹- مسمع بن عبدالملک کردین |
| ۱۰- ثعلبة بن میمون | ۲۰- محمد بن علی الحلّبی | ۳۰- علی بن سعید |

۳۱- علی بن عطیه	۵۵- ابی زیاد الهندی	۷۹- عبدالحمید الطائی
۳۲- هشام بن حکم	۵۶- ابی الهیثم	۸۰- عبدالرحمان بن حجاج
۳۳- یونس	۵۷- ابی ایوب خزار	۸۱- عبدالرحمان بن یحیی
۳۴- ابن نویه	۵۸- ابان الاحمر	۸۲- عبدالعزيز عبدی
۳۵- ابو جعفر احو	۵۹- ابان بن تغلب	۸۳- عبدالکریم
۳۶- ابراهیم بن عبدالحمید	۶۰- ابراهیم بن عمر	۸۴- عثمان
۳۷- حسن بن موسی	۶۱- اسماعیل البصری	۸۵- عبید
۳۸- حسین بن عثمان	۶۲- اسماعیل بن فراش	۸۶- عبید بن زرارہ
۳۹- داود عجلی	۶۳- بکیر بن اعین	۸۷- عقبه بن خالد
۴۰- صالح	۶۴- جمیل بن صالح	۸۸- علی بن حدید
۴۱- عبدالعزيز بن حسان	۶۵- حسن بن عبدالملک	۸۹- علی بن جعفر حضرمی
۴۲- علی بن عقبه	۶۶- حسن بن عطیه	۹۰- علی بن حمزه
۴۳- فراش	۶۷- حسن بن علی	۹۱- عیسی بن ابی حمزه
۴۴- فضیل	۶۸- حسین بن احمد المنقری	۹۲- فضالة بن ایوب
۴۵- مثنی بن عبدالسلام	۶۹- حسین بن موسی	۹۳- قاسم بن محمد
۴۶- محمد بن سماعه	۷۰- حماد بن ابی طلحه	۹۴- مثنی بن ولید
۴۷- محمد بن عطیه	۷۱- حمران بن اعین	۹۵- محبوب بن شهاب
۴۸- معاویه بن وهب	۷۲- حنان	۹۶- محمد بن حسن
۴۹- هیشم بن حفص	۷۳- رومی بن زرارہ	۹۷- محمد بن حمران
۵۰- ابن ابی قره	۷۴- سیف التمار	۹۸- محمد بن مسلم
۵۱- ابن ابی لیلا	۷۵- عبدالله	۹۹- معاذ
۵۲- ابن رباط	۷۶- عبدالله بن ابی یغفور	۱۰۰- یحیی بن مثنی
۵۳- ابو عیینہ	۷۷- عبدالله بن محمد	۱۰۱- یعقوب
۵۴- ابی بصیر	۷۸- عبدالله بن یحیی کاهلی	

در میان نامهای روایتگران از زرارہ تعدادی از آنها به نظر شخص واحد جلوه می کنند، و ممکن است گمان شود، نام یک فرد دو یا چند بار تکرار شده است ولی چنین نیست،

مخصوصاً زمانی که تنها در سلسله سند حدیث آمده باشد چون این نامها مردّد بین دو تاسه راوی است. از این رو این نامها را در جاهایی که بدون پسوند یاد شده است ما نیز بدون پسوند یاد کردیم و چنین است در جاهایی که با پسوند ذکر شده است. هر چند در بعضی موارد احتمال یکی بودن بعضی از نامها نیز می رود.

پی نوشتها

- ۱- رجال بحر العلوم، ۲۳۲/۱-۲۳۳؛ رجال طوسی، ۱۲۳-۱۲۴ پاورقی.
- ۲- الفهرست لابن الندیم، ۳۰۹.
- ۳- رجال نجاشی، ۱۲۵.
- ۴- رجال ابن داود حلی، ۱۵۶ (کتاب الرجال)
- ۵- الأعلام لزركلی، ۷۵/۳
- ۶- اختیار معرفة الرجال، ۱۳۴.
- ۷- همان مأخذ، ۳۷۵.
- ۸- همان مأخذ، ۲۳۸.
- ۹- همان مأخذ، ۲۳۸.
- ۱۰- همان مأخذ، ۱۳۵.
- ۱۱- همان مأخذ، ۱۳۶.
- ۱۲- همان مأخذ، ۱۳۶.
- ۱۳- همان مأخذ، ۱۳۵-۱۳۶.
- ۱۴- همان مأخذ، ۱۷۰.
- ۱۵- همان مأخذ، ۱۷۰.
- ۱۶- همان مأخذ، ۲۱۰.
- ۱۷- همان مأخذ، ۲۷۶.
- ۱۸- همان مأخذ، ۲۷۵-۲۷۶.
- ۱۹- همان مأخذ، ۱۵۳.
- ۲۰- بحار، ۲/۲۴۵-۲۴۶.
- ۲۱- الفهرست لابن الندیم، ۳۰۹.
- ۲۲- همان مأخذ.
- ۲۳- همان مأخذ.
- ۲۴- رجال نجاشی، ۱۲۵.
- ۲۵- همان مأخذ.
- ۲۶- همان مأخذ.
- ۲۷- رجال نجاشی، ۱۲۵؛ فهرست طوسی، ۷۵؛ جامع الرواة، ۲/۳۲۵؛ معجم الرجال خوئی، ۷/۲۱۹.
- ۲۸- اعیان الشیعه، ۷/۴۷.
- ۲۹- اختیار معرفة الرجال، ۱۶۷.
- ۳۰- مسند زرارة بن اعین.
- ۳۱- اختیار معرفة الرجال، ۱۳۴.
- ۳۲- همان مأخذ، ۱۳۸-۱۴۱.
- ۳۳- مسند زرارة، ۱۶۷.

- ۳۴- اختیار معرفة الرجال، ۱۴۳-۱۴۴.
- ۳۵- معجم الرجال خوئی، ۲۴۹/۷-۲۵۰.
- ۳۶- برای اطلاع بیشتر به شماره و عناوین فهرست مسند زواره مراجعه شود.
- ۳۷- تاریخ الکوفة، ۳۹۱-۴۰۲.
- ۳۸- همان مأخذ و صفحاتش.
- ۳۹- تاریخ الکوفة، ۴۰۵.
- ۴۰- همان مأخذ، ۴۰۵.
- ۴۱- همان مأخذ، ۴۰۵.
- ۴۲- اختیار معرفة الرجال، ۱۳۴.